

شرح رساله حقوق

امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق، ابتدا به حق الله پرداختند. سپس به حق النفس، یعنی حق انسان بر خودش، اشاره کردند؛ اولی حق خدا بر انسان و دومی حق انسان برای خودش. پس از آن، شروع کردند به بیان حق بعضی از اعضاء و جوارح انسان و هفت عضو را ذکر کردند، هرچند هر یک از این حقوق مشتمل بر حقوق فرعی و جزئی هم هست؛ بعضی از حقوق ایجابی است و بعضی سلبی. به هر حال از اینجا شروع می‌کنند به بیان حق مهم‌ترین عبادت که نماز باشد.

حق اول نماز: شناخت حقیقت نماز

اولین حقی که درباره نماز بیان می‌کنند، این است: «فاما حق الصلاة فان تعلم انها وفادة الى الله». معنای تحت اللفظی این عبارت این است: حق نماز بر تو این است که بدانی نماز درگاه الهی است. بدانی نماز چیزی است که با آن به درگاه الهی و مهمانی وارد می‌شوی. این عبارت در واقع می‌خواهد ما را به این نکته مهم ملتفت کند که اولین حق صلوة این است که حقیقت صلوة را بشناسیم. اولین حق نماز، شناختن حقیقت نماز است. این خیلی مهم است. اگر حقیقت نماز شناخته شود و ما بدانیم که که هستیم و در برابر که قرار داریم، خود به خود حق نماز ادا می‌شود. اما حقیقت نماز چیست؟ اینکه می‌فرماید: بدانی که با آن به درگاه الهی وارد می‌شوی، به مهمانی خداوند وارد می‌شوی؟ من این را یک توضیح اجمالی بدهم. ما در حدی که فرصت هست آن را شرح می‌دهیم.

در روایات این تعبیر را ملاحظه فرموده‌اید که «الصلاة عمود الدين». این روایت از طرف پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده «ان عمود الدين الصلاة، وهي أول ما ينظر فيه من عمل ابن آدم، فإن صحت نظر في عمله، وإن لم تصح لم ينظر في بقية عمله». نماز عمود دین است و اولین چیزی است که از عمل بنده در آن نظر می‌شود.^۱

در کلام دیگری از مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد شده که: «اللَّهُ أَلَّهُ فِي الصَّلَاةِ؛ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ». عمود یعنی ستون دین. یکی از عناوینی که برای صلوة آورده می‌شود و نشان‌دهنده اهمیت جایگاه نماز است، همین عنوان عمودیت است، عمود دین محسوب می‌شود. عمود دین یعنی خیمه و خرگاه دین، اساس دین.

در کتاب‌هایی که پیامون اسرار نماز و آداب نماز نوشته شده، از جمله کتابی که امام خمینی (رحمة الله علیه) دارند، نماز با حدیث معراج تطبیق شده است. امام دو کتاب دارند در مورد نماز. یکی خیلی عرفانی و تخصصی است، دیگری عمومی‌تر است. یعنی کانه برای دو دسته مخاطب نوشته شده است.

در حدیث معراج، بعضی از تعابیر مثل براق (همان اسبی که پیامبر با آن به معراج رفت) یا رفر، به کار رفته است. امام در مقام تبیین حقیقت نماز، براق و مرکبی که پیامبر با آن معراج رفت را تطبیق کرده بر نماز. یعنی کانه نماز براقی است که بشر و سالک الی الله با آن می‌تواند به معراج برود. لذا ما روزانه پنج بار بر مرکبی سوار می‌شویم که این مرکب می‌تواند تا عرش ما را بالا ببرد؛ لذا هرچه توجه ما به نماز بیشتر باشد، عروج ما بیشتر است. اینکه تعبیر «الصلوة معراج المومن» شده، این دستمایه تطبیق نماز با معراج پیامبر است. پیامبر عروج جسمانی کرد، اما انسان می‌تواند هر روز عروج روحانی داشته باشد با مرکب نماز و البته این به دست خود انسان است که این مرکب حتی از زمین برنخیزد یا پرواز کند و به اوج آسمان برود.

این نمازهایی که ما می‌خوانیم، فکر نکنم ده سانت هم بتواند از زمین اوج بگیرد؛ نه تنها اوج نمی‌گیرد، بلکه گاهی در زمین فرو

^۱ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۳.

می‌رود. اصلاً به جای اینکه اوج بگیرد، سقوط می‌کند؛ چون هرچه فکر پراکنده داریم، این طرف و آن طرف، همه این‌ها هجوم می‌آورد و بیشتر از سایر اوقات، ما را مشغول گمشده‌های دنیایمان می‌کند.

این حقیقت، از دید روایات، ظاهری دارد و باطنی. نماز هم مثل همه عبادات، ظاهری دارد که عبارت است از همین اذکار، اوراد، اجزا و شرایط. این، ظاهر نماز است. اما باطن نماز قابل تصور نیست.

شخصی آمد خدمت امام صادق (علیه‌السلام) و درباره حدود نماز از ایشان سؤال کرد. امام در پاسخ به او فرمود: نماز چهار هزار حد دارد که تو نمی‌توانی یکی از آن‌ها را ادا کنی. چهار هزار حد یعنی چه؟ چهار هزار مرتبه؟ قطعاً این بیان ناظر به مراتب باطنی است؛ چون مراتب ظاهری نماز که ادا کردنش مشکل نیست: وضو، رو به قبله ایستادن، تکبیرة الاحرام، اینکه لباس نجس نباشد، مکان پاک باشد، قیام، قعود، رکوع، سجود، اذکار، اوراد و تسلیم. این‌ها که همه مشترک هستند؛ حتی وهابی‌ها هم همین کار را انجام می‌دهند (البته با تفاوت در اجزا و جزئیات). دیگران هم انجام می‌دهند. اما وقتی امام صادق (ع) به او می‌فرماید:

مراتبی دارد که تو یکی از آن‌ها را نمی‌توانی ادا کنی، قطعاً ناظر به مراتب باطنی است. پس نماز ظاهری دارد و چهار هزار باطن. ما از مرحله ظاهر عبور نکرده‌ایم؛ به حد اول از بواطن نرسیده‌ایم، چه برسد که بخواهیم به حدود بالاتر برسیم. این، مسئله مهمی است. اینکه شنیده‌اید در احوال ائمه معصومین (علیهم‌السلام) که به هنگام فرارسیدن وقت نماز چه حال و روزی داشتند، این حاکی از آن است که این نماز یک باطن و حقیقتی دارد فراتر از این ظاهر، اینکه، این ظاهر، این اعمال و اذکار و اوراد، چرا باید باعث خوف و خشیت شود؟ چرا رنگ از رخساره پیرد؟ چرا بدن بلرزه بیفتد؟ چرا سیدالشهدا (علیه‌السلام) در ظهر عاشورا به هنگام نماز، اصلاً فراموش می‌کند که در میدان جنگ است، و هنگامی که به او وقت صلوٰه را یادآوری می‌کنند، در حق متذکر دعا می‌کند و در بحبوحه جنگ، نمازش را می‌خواند. این، حقیقتی را نشان می‌دهد؛ باطنی را نشان می‌دهد که آنقدر زیباست و آنقدر عظمت دارد که این بزرگواران نسبت به آن چنین حالتی پیدا می‌کنند.

پس اولین حق نماز، شناخت حقیقت نماز است. حالا برخی از اوصاف یا خصوصیات یا ویژگی‌هایی برای نماز ذکر کرده‌اند که من، ان‌شاءالله در جلسه بعد، آنها را بیان خواهم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»